

## رویکرد سیاست جنایی افغانستان در قبال فساد اداری؛ چالش‌ها و راه‌کارها

داکتر محمدعوض اعتمادی\*

چکیده

فساد اداری، پدیده‌ای است که گونه‌های مختلفی دارد. اختلاس، ارتشا، سوءاستفاده از موقعیت، اموال و امکانات دولتی و افزایش غیر قانونی دارایی، نمونه‌های شناخته‌شده آن است. فساد اداری در سال‌های اخیر هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است؛ از این رو، برخورد سنجیده با این پدیده، مستلزم سیاست جنایی جامع و دقیقی است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این سیاست جنایی، تقنینی است که در آن ابتدا حدود، ثغور و مصادیق این پدیده مجرمانه تعریف و سپس پاسخ مناسب با آن‌ها سامان‌دهی می‌شود.

در نوشته حاضر به بررسی رویکرد سیاست جنایی افغانستان در قبال فساد اداری پرداخته شده و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، اثبات شده است که سیاست جنایی موجود کشور، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه و نظام اقتصادی، اداری و... در زمینه پیش‌گیری و مبارزه با فساد اداری نبوده و نیازمند بازنگری، اصلاح و ارتقای تدابیر کنشی و واکنشی است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، سیاست جنایی تقنینی، سیاست کیفری، فساد، فساد

اداری، افغانستان.

\* پژوهشگر.

## مقدمه

بدون شک، اعتماد مردم به حاکمان از اصلی‌ترین سرمایه‌های سیاسی دولت‌ها و حکومت‌هاست. پدیده فساد اداری که اخیراً هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک معضل اجتماعی مطرح شده و مبارزه با آن اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است، یک پدیده‌ای است که می‌تواند اعتماد مردم را نسبت به حاکمان از بین ببرد و نابود سازد؛ بنابراین، مبارزه و مقابله با فساد اداری، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که حکمرانان باید بدان توجه کنند؛ چرا که وقتی حاکمان نتوانند سلامت خود را نزد مردم اثبات کنند، نمی‌توانند قدرت سیاسی خود را حفظ کنند.

علاوه بر آن، شیوع فساد اداری، خود می‌تواند آثار و پیامدهای اقتصادی و فرهنگی ناگواری داشته باشد که شکل‌گیری فرهنگ نادرست در جامعه، از بین رفتن اخلاق عمومی، کاهش سرمایه‌گذاری مولد، توزیع عادلانه فرصت‌ها و درآمدها، افزایش نرخ خطرپذیری سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه‌ها، کم‌رنگ شدن قبح اجتماعی ارتکاب فساد اداری و تضعیف فرهنگ کار از آن جمله است.

با توجه به آثار و پیامدهای مخرب فساد اداری، مبارزه، برخورد و مقابله سنجیده با این پدیده، مستلزم سیاست جنایی جامع و در عین حال دقیقی است که متولیان امور سیاست‌گذاری کشور باید بدان توجه کنند و به دنبال یافتن پاسخ‌های متناسب با آن باشند؛ از این‌رو، در مقاله حاضر به بررسی سیاست جنایی افغانستان در قبال فساد اداری پرداخته می‌شود. البته، لازم و ضروری به نظر می‌رسد که پیش از ورود به بحث، مفاهیم و واژگانی که نقش اساسی و کلیدی در فهم و درک دقیق موضوع دارند، واژه‌شناسی شوند.

### ۱. مفهوم‌شناسی

منظور از مفهوم‌شناسی یا ترمینولوژی، تعریف و تبیین مفاهیمی است که نقش محوری و کلیدی در فهم دقیق مسائل مطرح در پژوهش ایفا می‌کنند؛ بنابراین، مفاهیمی مانند سیاست جنایی، سیاست کیفری، فساد اداری و... تحت این عنوان مفهوم‌شناسی می‌شوند.

#### ۱-۱. مفهوم سیاست جنایی

واژه سیاست جنایی که ترجمه "Criminal policy" است، تقریباً مرادف با سیاست کیفری (Penal policy) می‌باشد. پس واژه سیاست جنایی مرکب از دو کلمه است: سیاست (policy) و جنایی (Criminal) که به‌صورت مرکب (Criminal policy) به کار می‌رود؛ بنابراین، برای فهم درست آن لازم است ابتدا مفردات این ترکیب را معنا کرد و سپس به‌صورت ترکیبی آن و وانگهی به معنای اصطلاحی واژه



پرداخته خواهد شد. واژه سیاست در زبان فارسی گاه به معنای اصول اداره و مدیریت کشور در شئون مختلف است که در این صورت معادل با "Politics"، گاه به معنای تأدیب، کیفر و مجازات کردن و مرادف با "Punishment" است و گاه هم به معنای استراتژی، خط‌مشی، راهبرد کلان و خطوط اساسی معنا می‌دهد که معادل "policy" است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۷۱). در تعریف سیاست جنایی، واژه سیاست به همین معنای اخیر به کار رفته است.

واژه جنایی معادل "Criminal" از جنایت کلمه عربی است و در لغت به معنای چیدن میوه از درخت و نیز گناه و جرمی است که ارتکاب آن، موجب کیفر و قصاص باشد؛ اعم از کیفر دنیوی یا اخروی (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۱۰).

واژه جنایی در ترکیب سیاست جنایی، نمایانگر وصف و صبغه کیفری و مجازاتی استراتژی‌ها، راهبردها و خط‌مشی‌هایی است که در حوزه سیاست جنایی علیه جرم و انحراف تدبیر می‌شود؛ اما از آن‌جا که این استراتژی‌ها همواره کیفری نیستند؛ بلکه گاه پاسخ‌ها غیر کیفری‌اند؛ از این رو، نوعی توسعه در معنای واژه جنایی شمرده می‌شود؛ بنابراین، سیاست جنایی در اصطلاح عبارت است از راهبردها و خط‌مشی‌ها و استراتژی‌های معین در مسیر یک اقدام که بعد از بررسی طرق مختلف به صورت سنجیده و سازمان‌یافته دنبال می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱).

برخی دیگر سیاست جنایی را به مجموعه شیوه‌هایی تعبیر می‌کنند که هیأت اجتماع، پاسخ‌های مختلف به پدیده مجرمانه را از طریق آن‌ها سازمان می‌بخشد (مارتی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۴) و عده‌ای هم سیاست جنایی را به اقدامات کیفری اطلاق کرده‌اند که قانون‌گذار برای ایجاد عدالت کیفری و تضمین حقوق مادی و معنوی افراد جامعه و جلوگیری از ارتکاب جرایم اتخاذ کرده است. به تعبیر دیگر، سیاست جنایی عبارت است از راه‌کارهای کلی که برای اجرای قوانین کیفری و عملی شدن آن در نظر گرفته است (کعبی، ۱۳۷۶).

## ۲-۱. مفهوم سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی طرز برداشت و تلقی مقام قانون‌گذاری در قالب وضع و تصویب قوانین مختلف از سیاست جنایی است. به عبارت دیگر، سیاست جنایی تقنینی عبارت است از مجموعه‌ای از اصول، راهبردها و تدابیر مواجهه با جرم و مبارزه با بزه‌کاری که توسط قانون‌گذار، در مرحله تقنین و حوزه قانون‌گذاری در قانون متجلی شده و ضمانت اجرای قانونی دارد (آقازاده، ۱۳۸۴: ۱، ۳۳). در این قسم از سیاست جنایی، مرجع سیاست‌گذاری، قانون‌گذار و قوه مقننه است.

### ۱-۳. مفهوم سیاست کیفری

کیفر در لغت به معنای عقوبت و مجازات است که به کسی که خلاف قانون یا اخلاق یا عرف و عادت رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده باشد، داده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۵۷۹)؛ اما وقتی این کلمه با واژه سیاست ترکیب شود، به معنای تدبیر، چاره‌اندیشی و شناخت ابزارها و امکاناتی که حکومت قانون‌مند برای مقابله و مواجهه با جرم به کار می‌برد، خواهد بود. طبق این تعریف، سیاست کیفری در واقع همان سیاست جنایی در معنای مضیق آن است؛ یعنی واکنش و عکس‌العمل دولت در برابر جرم و پدیده مجرمانه (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۵).

### ۱-۴. مفهوم فساد اداری

فساد اداری در جوامع مختلف بشری، برحسب نگرش‌ها و برداشت‌ها، تعاریف گوناگونی می‌تواند داشته باشد؛ بنابراین، تا کنون تعریف واحدی که مورد قبول همه باشد، از فساد اداری ارائه نشده است. اما می‌توان فساد اداری را چنین تعریف کرد: «اقدامات اشخاص خصوصی در جهت جلب همکاری یک فرد شاغل در دولت به منظور نقض قوانین، مقررات و ضوابط اداری و همکاری اشخاص شاغل در دولت در این زمینه، برای جلب منافع نقدی و غیر نقدی مازاد بر حقوق و مزایای قانونی برای خود، خویشاوندان و دوستان و یا خودداری یا کم‌کاری یک مسئول در انجام وظایف قانونی خود در قبال ارباب رجوع، به منظور دریافت پول، کالا یا خدمات.» (حسینی و نوذری فردوسی، ۱۳۹۳: ۸۶)؛ بنابراین، طبق این تعریف، فساد اداری به نقض قوانین و مقررات محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل حوزه‌های مختلف و هم‌چنین انگیزه‌های کارمند برای مشارکت در فساد نیز می‌شود.

### ۲. مصادیق و جلوه‌های فساد اداری

این فساد گونه‌های مختلف و گوناگونی دارد. اختلاس، ارتشا، سوءاستفاده از اموال و امکانات دولتی نمونه‌های شناخته‌شده آن است. در قانون جزای افغانستان (کد جزا)، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره و جرم‌انگاری شده است که در زیر به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱. ارتشا و رشوه‌خواری

رشوه از جرایم عمومی و دارای دو طرف راشی (رشوه‌دهنده) و مرتشی (رشوه‌گیرنده) است. از نظر حقوقی، معادل واژه رشوه در زبان انگلیسی (bribery)، جرمی است که طرف آن اعم از قضات، مأموران خدمات عمومی و ادارات ملی و محلی می‌باشد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۵ و ۳۷).

قانون‌گذار افغانستان نیز پدیده رشوه را از مصادیق و جلوه‌های جرایم فساد اداری و مالی دانسته و آن را تحت این عنوان جرم‌انگاری نموده و برای رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده و فرد واسطه رشوه، مجازات‌هایی مقرر و تعیین کرده است (کد جزا، مواد ۳۷۰-۳۷۳).

## ۲-۲. اختلاس

یکی از جرایم مهمی که در گروه جرایم علیه اموال و مالکیت مورد بحث قرار می‌گیرد، جرم اختلاس است. این جرم به‌عنوان یکی از صورت‌های خاص خیانت در امانت مطرح می‌شود. به تعبیر دیگر، خیانت مأموران و مستخدمان دولتی نسبت به اموال که به مناسبت وظیفه به آن‌ها سپرده شده است، تحت عنوان اختلاس مطرح و مورد بحث قرار می‌گیرد. در کد جزایی افغانستان این جرم در زمره جرایم فساد اداری و مالی قرار گرفته و جرم‌انگاری شده است (کد جزا، مواد ۳۸۸-۳۹۸). قانون‌گذار علاوه بر مجازات‌های اصلی برای مرتکبان جرم اختلاس، به‌خاطر شدت و حدتی که در این جرم وجود دارد، مجازات تکمیلی نیز در نظر گرفته است و مقرر داشته است: «مرتکب جرایم مندرج این فصل علاوه بر مجازات معینه، به رد و جوه و دارایی حاصله و مصادره عواید ناشی از آن نیز محکوم می‌شود.» (همان: ۳۹۸).

## ۲-۳. سوءاستفاده از نفوذ

یکی از جرایم فساد اداری، جرم سوءاستفاده از نفوذ است؛ به این معنا که کسی از نفوذ واقعی یا فرضی خود یا دیگری بهره‌گیرد تا به منافع مادی یا معنوی نامشروع دست یابد. این جرم نیز در ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان جرم‌انگاری شده و در ماده ۴۰۰ قانون مزبور، برای آن مجازات‌های بدیل حبس، حبس قصیر، حبس متوسط تا سه سال، حبس متوسط بیش از سه سال، حداکثر حبس متوسط و حکم تبعی انفصال از خدمات عمومی، پیش‌بینی شده است.

## ۲-۴. سوءاستفاده از جایگاه

سوءاستفاده از موقف و جایگاه (Inside job)، جرمی است که با کمک فردی انجام می‌شود که در جایگاهی مورد اعتماد است و مسئولیت دارد. مرتکب جنایت یا بزه می‌تواند کارمند سابق باشد که دانش یا ابزار ویژه و لازم برای انجام و ارتکاب جرم در اختیار دارد. در کد جزای افغانستان، به جرم سوءاستفاده از نفوذ، طی پانزده ماده از ماده ۴۰۳ تا ۴۱۸، پرداخته شده است و آن پدیده مجرمانه را جرم‌انگاری و برای مرتکبان آن مجازات‌هایی پیش‌بینی کرده است. علاوه بر آن‌ها، مجازات تکمیلی مصادره منفعت مادی حاصله از این جرم و ابطال منفعت معنوی حاصله از آن نیز مقرر شده است (کد

## ۲-۵. افزایش غیرقانونی دارایی

در همه نظام‌های حقوقی، هرکسی باید از حاصل دسترنج خود استفاده نماید و هیچ‌کسی حق ندارد بدون سبب قانونی از مال یا کار دیگری بهره ببرد. در نظام حقوقی افغانستان نیز افزایش غیر قانونی دارایی یا داراشدن غیر عادلانه، به صراحت جرم دانسته شده است (کد جزا، مواد ۴۱۹-۴۲۰).

حقوق دانان معتقدند که مبنای حقوقی ممنوعیت داراشدن غیر عادلانه، تحصیل نامشروع و بدون مجوز قانونی ثروت است. قانون‌گذار باید از تشکیل ثروت‌های بدون سبب مشروع جلوگیری کند (علی دوست، ۱۳۹۷: ۱۰).

## ۳. گونه‌های سیاست جنایی

سیاست جنایی دارای گونه‌های مختلف و گوناگونی است. امروزه، سیاست جنایی به‌لحاظ نوعی سیاست و برخورد دولت‌ها، در دو سطح کلان‌کنشی، پیشینی و فعال و واکنشی، پسینی و منفعل، قابل تقسیم و دسته‌بندی است.

### ۳-۱. سیاست جنایی کنشی و فعال

در اجتماعات کنونی که سرنوشت اعضای آن به هم پیوند خورده است و دولت تقریباً در تمام امور و ابعاد زندگی افراد دخالت می‌کند، نظام‌ها از جمله نظام کیفری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز گسترش یافته است. پیش‌گیری از جرم و وظیفه مشترک همه این نظام‌ها محسوب می‌شود؛ اگرچه تأثیر برخی نسبت به برخی دیگر ممکن است بیش‌تر و قوی‌تر باشد (سودمند، ۱۳۷۶: ۳).

اصولاً، هدف اصلی جامعه حفظ حقوق عمومی، گسترش و اجرای عدالت و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی است که برای دست‌یابی به آن باید از ارتکاب جرایم پیش‌گیری شود. علاوه بر اقدامات کیفری که متوجه متمدان و متجاوزان می‌شود، اقدامات ارشادی، تأمینی و بازدارنده می‌تواند زمینه مناسبی برای پیش‌گیری از بزه و جرایم باشد.

سیاست جنایی وقتی در جامعه مؤثر واقع می‌شود که تدابیر پیش‌گیرانه در درجه نخست اهمیت قرار داشته باشد و در سیاست جنایی بر اقدامات و تدابیر پیش‌گیرانه تأکید و به واکنش‌های کیفری به‌عنوان اقدامات استثنایی نگاه شود.

### ۳-۱-۱. تدابیر پیش گیرانه اجتماعی

پیش گیری اجتماعی عبارت است از ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی؛ به گونه ای که منجر به اصلاح جامعه و فرد شده و تا حدودی موجبات جلوگیری از ارتکاب جرایم را به صورت پایدار و همیشگی فراهم آورد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۱: ۱۸۵). این نوع پیش گیری در اواخر قرن ۱۹ توسط دانشمندانی چون «آنریکوفری» مطرح شده است (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۵).

در پیش گیری اجتماعی، برخلاف پیش گیری وضعی، غالباً از شیوه های کنترل درونی استفاده می شود؛ زیرا کنترل درونی بیانگر حاکمیت اخلاق بر روح و روان و رفتار فرد است. در صورتی که ارزش های اخلاقی مورد توجه و تأکید قرار گیرند، پیش گیری وضعی نیز رسالت خود را که همان کنترل بیرونی و از بین بردن موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم است، به خوبی انجام خواهد داد (همان: ۴۹).

### ۳-۱-۲. تدابیر پیش گیرانه وضعی

پیش گیری وضعی، مجموعه اقدامات قابل سنجش و ارزیابی برای مقابله با جرم است که به کاهش فرصت ها و موقعیت ها و افزایش خطرات ارتکاب جرم می انجامد و شامل تدابیری می شود که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا حداقل دشوار کردن آن از طریق سخت کردن دسترسی به آماج یا محافظت از بزه دیدگان بالقوه است. در واقع، این نوع پیش گیری دربرگیرنده مجموعه تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در اوضاع و احوال پیرامونی جرم و موقعیت های پیش جنایی، به دنبال منصرف کردن بزه کاران از ارتکاب بزه و جرم است (گسن، ۱۳۷۶: ۶۰۷).  
این نوع پیش گیری منجر به موفقیت های جدیدی در امر مبارزه با جرم و بزه شده و اهمیت آن در این است که توجه و تمرکز از مجرم به محیط جرمزا منتقل شده و نشان می دهد که چگونه تغییرات محیط فیزیکی بر میزان جرم تأثیر گذار است.

### ۳-۲. سیاست جنایی واکنشی و منفعل

منظور از تدابیر واکنشی و پسینی، آن مجموعه تدابیر و اقداماتی است که پس از وقوع جرم و پدیده مجرمانه، در جهت مبارزه با آن، از سوی متولیان امر یعنی دستگاه های اجرایی و قضایی و عدالت کیفری اعمال می شود که اعم از تدابیر کیفری، مدنی، اداری و حتی صنفی است؛ مانند تنبیهات انضباطی و جبران خسارات بزه دیده؛ اما تدابیر واکنشی در مفهوم خاص آن، تنها شامل تدابیر کیفری و مجازات هاست (حسینی و نوذری فردوسی، پیشین: ۹۴). این نوع سیاست جنایی شامل دو نوع

سیاست جنایی اجرایی و قضایی می‌شود که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۳-۲-۱. سیاست جنایی اجرایی

سیاست جنایی اجرایی، عبارت از اعمال و اجرای راه‌کارهای اساسی، مفید و مؤثر پیرامون کاهش جرم و بزه‌کاری در جامعه است. این نوع سیاست جنایی از طریق تصویب دستورالعمل‌های اجرایی و آیین‌نامه‌های دولتی ممکن و میسر است که ارگان‌های مختلف قوه مجریه بدان عمل می‌کنند (ساک، ۱۳۹۱: ۱).

### ۳-۲-۲. سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی به باور خانم «کریستین لازرژ»، با میزان مداخله، نقش مقام قضایی در سیاست جنایی و نحوه مواجهه مراجع قضایی با متون قانون، شکل می‌گیرد؛ به این معنا که قانون‌گذار، متونی را در قالب قانون تصویب می‌کند. قضات گاهی برخی از این متون قانونی را به‌طور متفاوتی تفسیر می‌کنند، پاره‌ای از این قوانین با گذشت زمان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند و از اجرای برخی دیگر به‌خاطر نارسایی‌های آن‌ها اجتناب می‌شود. بدین ترتیب، سیاست جنایی قضایی شکل می‌گیرد و در مبارزه با بزه نقش ایفا می‌کند (لازرژ، ۱۳۸۲: ۹۳).

## ۴. رویکرد سیاست جنایی افغانستان

با بررسی نظام حقوقی افغانستان می‌توان دریافت که سیاست جنایی حاکم بر کشور، بیش‌تر جنبه تقنینی دارد؛ آن‌هم از نوع سیاست جنایی واکنشی، منفعل و عمدتاً از روش سرکوبگرانه بهره می‌جوید؛ به‌عنوان نمونه: می‌توان از کد جزایی کشور نام برد که قانون‌گذار کشور ما ابواب و فصل‌های متعددی از جمله باب چهارم آن را به جرایم فساد اداری و مالی اختصاص داده است و طی چهار فصل و حدود ۵۱ ماده قانونی، اموری هم‌چون: ارتشا و رشوه‌خواری، اختلاس، سوءاستفاده از نفوذ، سوءاستفاده از موقوف و جایگاه و افزایش غیر قانونی دارایی را تحت عنوان جرایم فساد اداری و مالی، جرم‌انگاری کرده است و برای مرتکبان آن‌ها مجازات‌های نقدی، حبس قصیر، متوسط، طویل و... هم‌چنین در برخی موارد، مجازات‌های تبعی و تکمیلی نیز معین کرده است (کد جزا، مواد ۳۷۰-۴۲۱).

البته، در برخی مواد قانونی کد جزا، معاذیر قانونی مانند معافیت از مجازات برای گزارش‌دهنده رشوه نیز پیش‌بینی شده است؛ اما آن هم پس از ارتکاب جرم و جزو تدابیر واکنشی محسوب می‌شود؛ به‌عنوان مثال: در ماده ۳۸۰ کد جزا مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی که از وی رشوه تقاضا شده، مقامات صلاحیت‌دار را خبر دهد، در صورت اخذ یا قبول وجه رشوه، رشوه‌گیرنده مطابق احکام این فصل،



مجازات می‌شود و اطلاع‌دهنده مجازات نمی‌شود. چنان‌که ملاحظه شد، در این ماده قانونی تصریح می‌کند که در صورت اخذ یا قبول وجه رشوه، که این خود یک نوع تدبیر واکنشی است. به علاوه، قانون مستقل دیگری به نام «قانون مبارزه با فساد اداری» که در آن علاوه بر موارد پیش گفته، موارد دیگری نیز جرم‌انگاری و از مصادیق و جلوه‌های فساد اداری تلقی شده است.<sup>۱</sup>

با تصویب قانون مبارزه با فساد اداری ما شاهد رشد نوعی سیاست جنایی کنشی و فعال در قالب پیش‌بینی نهادهای مختلف و متعدد برای پیش‌گیری و مبارزه با جرایم فساد اداری هستیم که می‌توان از پیش‌بینی کمیسیون مبارزه با فساد اداری، شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری، مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری، پلیس مبارزه با جرایم سنگین، سارنوالی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری در لوی سارنوالی و محاکم مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری و... نام برد.

#### ۴-۱. چالش‌های رویکرد سیاست جنایی افغانستان

سیاست جنایی افغانستان در قبال مبارزه و برخورد با فساد اداری با چالش‌هایی روبه‌رو است که ناکارآمدی آن را در امر مقابله با این پدیده مجرمانه آشکار ساخته است. این چالش‌ها عبارتند از موارد زیر:

##### ۴-۱-۱. تأکید و تمرکز بر سیاست جنایی واکنشی

چنان‌که بیان شد، رویکرد سیاست جنایی افغانستان در قبال پدیده مجرمانه فساد اداری غالباً جنبه تقنینی و واکنشی داشته است و استفاده از تدابیر سرکوبگرانه و مجازات‌ها در قبال بزه‌کاران مشاهده می‌شود که این امر عمده‌ترین چالش، فراروی سیاست جنایی کشور محسوب می‌شود و ناکارآمدی سیاست جنایی را در امر مبارزه و مقابله با جرایم فساد اداری باعث شده و رقم زده است. هرچند که در این اواخر، به‌ویژه دوران حکومت وحدت ملی، به نوعی گرایش به سیاست جنایی کنشی و فعال در جهت مشارکت نهادهای مردمی در مبارزه با فساد اداری مشاهده می‌شود.

ماده ۱۷ قانون مبارزه با فساد اداری که در مقام احصای وظایف و صلاحیت‌های اعضای کمیسیون مبارزه با فساد اداری است، در آن حدود ۱۸ مورد را جزو وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون برشمرده

۱. در این قانون (قانون مبارزه با فساد اداری)، قانون‌گذار کشور ما، علاوه بر فصل‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ باب ۴، فصل‌های ۷ (تزویر)، ۸ (اخذی و بدرفتاری موظفان خدمات عامه با مردم)، ۱۰ (انتحال وظایف و القاب)، ۱۱ (محو یا شکستادن مهر) و ۱۲ (سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی)، باب چهارم، فصل ۱ (ممانعت و جلوگیری از تطبیق عدالت)، باب ۵، فصل ۲ (پول‌شویی)، باب ۶، فصل‌های ۲ (غصب زمین و اموال غیر منقوق) و ۶ (جرایم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی)، باب ۹ و فصل ۴ (جرایم علیه معادن نفت و گاز)، باب ۱۰ کتاب دوم کد جزای افغانستان، را جزو مصادیق و جلوه‌های فساد اداری تلقی کرده است (قانون مبارزه با فساد اداری، ماده ۵).

است و مواردی جزو وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون نام برده شده است که در آن‌ها تدابیر پیش‌گیرانه و کنشی در جهت مبارزه با فساد اداری پیش‌بینی شده است.

به‌عنوان نمونه: اتخاذ تدابیر به‌منظور جلوگیری از فساد اداری، همکاری با نهادهای پژوهشی و جامعه مدنی در اجرای برنامه‌های جلوگیری‌کننده در امر مبارزه با فساد اداری، طرح برنامه‌های آموزشی جهت ارتقای ظرفیت موظفان خدمات عمومی در امر مبارزه با فساد اداری، طرح برنامه‌های آگاهی‌افزایی عمومی در امر مبارزه با فساد اداری و جلب همکاری‌های عمومی، نظارت بر تطبیق استراتژی و پالیسی‌های مبارزه با فساد اداری از طریق دارالانشاء، انجام پژوهش‌های علمی در زمینه شناسایی عوامل و ریشه‌های فساد اداری و راه‌کارهای کاهش و از بین‌بردن آن و ثبت و بررسی دارایی مقامات دولتی و کارمندان بلندرتبه، از جمله مواردی است که در این قانون احصا شده است.

#### ۴-۱-۲. عدم بهره‌گیری از تدابیر پیش‌گیرانه اجتماعی و وضعی

امروزه، در همه نظام‌های حقوقی، در گام اول، تأکید و اصرار بر سرمایه‌گذاری بیش‌تر روی تدابیر پیش‌گیرانه اجتماعی است. دولت‌ها سعی و تلاش می‌کنند تا از طریق نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، آموزش و پرورش و... ارزش‌های اخلاقی را نهادینه سازند. هم‌چنین، سطح آگاهی افراد را نسبت به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی‌اش از طریق آموزش‌های لازم افزایش دهند تا مردم از این طریق عملکرد کارگزاران ادارات عمومی را زیر ذره‌بین داشته باشند. در گام بعدی، استفاده و بهره‌گیری از تدابیر پیش‌گیرانه وضعی و برهم‌زدن تقارن‌ها و زمینه‌ها و از بین‌بردن موقعیت‌های جرم‌زا است؛ چیزی که متأسفانه در سیاست‌گذاری افغانستان مغفول مانده است.

هرچند ممکن است تدابیر پیش‌گیرانه اجتماعی هم هزینه‌بر و هم زمان‌بر باشد؛ ولیکن می‌توان با فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش افراد با فساد اداری و هر پدیده مجرمانه دیگر مبارزه کرد و موفقیت‌هایی هم کسب کرد.

اما مع‌الاسف با تشکیل این همه ادارات عالی و عریض و طویل، باید اذعان داشت که در خصوص پیش‌گیری از جرایم فساد اداری و اقتصادی، سیاست جنایی کشور عملاً دستاوردی مهمی نداشته است؛ زیرا همواره دولت سعی کرده است تا بار مسئولیت مبارزه با فساد اداری را به تنهایی بر دوش بکشد؛ در حالی که دولت به تنهایی قادر به حل معضل بزه‌کاری نیست؛ هرچند که بخش عمده مسئولیت مبارزه با بزه و جرایم بر عهده دولت خواهد بود.

با توجه به آنچه پیرامون فساد اداری و رویکرد سیاست جنایی افغانستان در مبارزه با این جرم گفته شد، انجام اصلاحات در حوزه قوانین و مقررات حاکم بر این مسئله که سیاست‌گذاری افغانستان را در

خصوص جرایم فساد اداری و مالی مشخص نموده است، ضروری به نظر می‌رسد؛ از این رو، در ادامه به ارائه راه‌کارهای مبارزه با فساد اداری پرداخته می‌شود.

#### ۲-۴. راه‌کارهای مبارزه با فساد اداری

در جهت مقابله و مبارزه با جرایم فساد اداری، راه‌کارهای مختلفی وجود دارد. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

##### ۱-۲-۴. تدوین و بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی

نظارت و مراقبت غیر رسمی نهادهای مدنی و مشارکت مردم در امر مبارزه با فساد اداری، ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد از یک سو می‌توانند با نظارت خود بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای عمومی دولتی، فعالیت‌های آن‌ها را در معرض نگاه و داوری جامعه قرار دهند و از سوی دیگر، جامعه مدنی علاوه بر آن‌که کارایی بهتری دارد، هزینه‌های کم‌تری را نیز بر جامعه تحمیل خواهد کرد؛ بنابراین، مشارکت مردم و نهادهای مردمی در این امر ضرورت دارد. طبعاً یک سیاست جنایی کارآمد از تمامی روش‌های مؤثر در رویارویی و مبارزه با فساد اداری یاری می‌جوید.

##### ۲-۲-۴. تدوین آیین‌نامه‌های راهبردی و مقررات کیفری

بدون تردید، از مهم‌ترین شاخص‌های کمی و کیفی قواعد جاکم بر پدیده مجرمانه فساد اداری که لزوماً باید در برنامه‌های جامع مبارزه و مقابله علیه فساد اداری پیش‌بینی شود، تدوین آیین‌نامه‌های راهبردی در جهت پیش‌گیری از بزه و مقررات کیفری برای پیگرد قانونی و محاکمه کارمندان مفسد و خاطی است؛ با این توضیح که تدوین آیین‌های راهبردی برای پیش‌گیری از ارتکاب جرایم و مقررات کیفری به‌منظور مجازات مجرمان و پیش‌گیری از تکرار جرم و هم‌چنین جلوگیری از ارتکاب بزه توسط مجرمان احتمالی و بالقوه، در دو مرحله زمانی انجام و بهره‌گیری شود.

##### ۱-۲-۲-۴. فرهنگ‌سازی و ارتقای سلامت نظام اداری

دولت ابتدا باید به‌منظور فرهنگ‌سازی و ارتقای سلامت نظام اداری بر اساس منشور اخلاقی و ارزش‌های بنیادین، آیین‌نامه‌های اداری تدوین نماید و از طریق آموزش عمومی و تخصصی کارمندان جلو ورود به موقعیت‌های فسادآور و خلاف شئون اداری گرفته شود. در ضمن آن اقدامات لازم برای اصلاح عوامل و زمینه‌های بروز فساد از قبیل سطح رفاه، زندگی و تأمین مالی کارکنان نیز باید مورد

توجه قرار گیرد.

#### ۴-۲-۲. اتخاذ سیاست کیفری مؤثر و هماهنگ

در مرحله دوم، اتخاذ سیاست کیفری هماهنگ و مؤثر با ضمانت اجرایی بالا برای کنترل و مقابله با فساد اداری و پیش‌بینی آیین دادرسی اختصاصی برای تسریع در رسیدگی به پرونده‌های فساد کارکنان و اعمال حتمی و قطعی مجازات‌های سرکوبگرانه متناسب با نحوه فساد آنان ضروری است. هم‌چنین، پیش‌بینی معاذیر قانونی و سایر حمایت‌های قانونی برای گزارش‌دهندگان موارد فساد به مقامات صلاحیت‌دار و راه‌کارهای تشویق آنان نیز باید لحاظ شود.

چنان‌که ملاحظه شد، در این راه‌کار دوم، استفاده از تدابیر پیش‌گیرانه، کنشی و فعال در قالب تدابیر پیش‌گیرانه اجتماعی از طریق آموزش عمومی و تخصصی کارمندان دولت، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌افزایی و ارتقای سلامت سطح نظام اداری و تقویت اخلاق و ارزش‌های بنیادین جامعه و هم‌چنین بهره‌گیری از سیاست کیفری و مجازات‌های حتمی و قطعی مفسدان و خاطیان با سازوکارهای ویژه، به‌صورت توأمان در نظر گرفته شده است.

چنان‌که امیر مومنان علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر نخعی، فرماندار مصر، که به عهدنامه مالک اشتر معروف است، به‌منظور جلوگیری از نفوذ کارگزاران فاسد و خائن در دستگاه حکومتی و از بین‌بردن سلامت نظام اداری و شیوع فساد اداری، بر تدابیر پیش‌گیرانه تأکید می‌کند و معتقد است و با عنایت به رجحان پیش‌گیری از فساد اداری بر مجازات مفسدان می‌فرماید: «ثُمَّ انظر في أمور عمالك فاستعملهم اختياراً ولا تولهم محاباتاً و اترتاً فإنهما جماع من شعبه الجور و الخيانه و توخ منهم أهل التجربه و الحياء من أهل البيوتات الصالحه و القدم في الإسلام المتقدمه فإنهم أكرم أخلاقاً و أصح أعراضاً و أقل في المطامع إشراقاً و أبلغ في عواقب الأمور نظراً».

در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار! با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف و ادار نکل! زیرا نوعی خیانت و ستمگری است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه، باحیا و از خاندان پاکیزه و با تقوا که در مسلمانی سابقه درخشان دارند، انتخاب کن! زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، آبروی‌شان محفوظ‌تر، طمع‌ورزی‌شان کم‌تر و آینده‌نگری آنان بیش‌تر است (همان).

حضرت در ادامه به نکته بسیار اساسی و مهمی در امر زمامداری و حکمرانی اشاره می‌کند و آن تأمین رفاه و زندگی کارگزاران است؛ زیرا در صورتی که کارگزاران و مأموران اداره‌ای به لحاظ زندگی، معیشت و رفاه تأمین نشوند، نمی‌توان جلو فساد، رشوه‌خواری و... آن‌ها را گرفت. حضرت

می‌فرماید: «ثُمَّ أَسْبَغَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَغِنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاولِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ»؛ سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیش‌تر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند (همان).

حضرت پس از اتمام حجت از طریق تأمین زندگی، رفا و معیشت آن‌ها، معتقد است که کارگزاران فاسد باید به سزای اعمال خود برسند؛ از این رو، خطاب به مالک می‌فرماید: «فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارٌ عُيُونِكَ أَكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقْبَةَ فِي بَدَنِهِ»؛ یعنی هرگاه یکی از کارگزاران دست خود را به جنایتی دراز کرد و گزارش جاسوسان، به صحت وقوع آن گواهی داد، همین امر برای شهادت کافی است که او را مجازات نمایی و...» (همان).

بدین ترتیب، امام علی (ع) هم بر ضرورت شایسته‌سالاری تأکید می‌کند و اصرار می‌ورزد تا افرادی که جهت این کار انتخاب می‌شوند، مورد اعتماد باشند، هم بر تأسیس سازمانی تأکید می‌کند که مراقب و ناظر اعمال کارمندان و صاحب‌منصبان دولتی باشد و هم در نهایت بر مجازات افراد خاطی و مفسد. در این فرازهایی از نامه امام علی (ع) هم بر بهره‌گیری از سیاست جنایی کنشی، فعال و تدابیر پیش‌گیرانه اجتماعی و هم بر سیاست جنایی واکنشی و کیفری تأکید شده است.

در افغانستان نیز هرگاه حکومت بخواهد جلو فساد اداری و مالی را بگیرد و این پدیده شوم و مجرمانه را ریشه‌کن سازد یا حداقل کاهش دهد، این امر ممکن نخواهد بود، جز در سایه بهره‌گیری از سیاست جنایی دقیق و جامعی که در آن هم به تدابیر پیش‌گیرانه و هم تدابیر کیفری و مجازات مجرمان توجه شده باشد. دولت در صورتی می‌تواند از کارمندان یک اداره بخواهد که پاک زندگی کند و دست به اموال عمومی و بیت‌المال نیالاید که معیشت، زندگی و رفاه او را تأمین کرده باشد و گرنه مبارزه با فساد اداری شبیه آن خواهد بود که گربه گرسنه را نگهبان گوشت بگیرند!

#### ۴-۲-۳. بهره‌گیری از تدابیر پیش‌گیرانه وضعی

پیش‌گیری وضعی - چنان‌که قبلاً هم توضیح داده شد - مجموعه تدابیر و اقداماتی است برای مقابله با جرم که به کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا و افزایش خطرات ارتکاب جرم می‌انجامد. در واقع، از یک سو با تدابیر به‌کارگرفته شده، فرصت ارتکاب جرم از مجرمان گرفته می‌شود و از سوی دیگر هم هزینه‌های ارتکاب جرم بالا برده می‌شود تا مجرمان با محاسبه‌گری که دارند، خود به خود، از ارتکاب بزه منصرف می‌شوند. این نوع پیش‌گیری، شامل تدابیری می‌شود که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا حداقل دشوار کردن آن از طریق سخت کردن دسترسی به آماج یا محافظت از بزه‌دیدگان بالقوه است. در زیر به مواردی از تدابیر پیش‌گیرانه وضعی اشاره می‌شود.

#### ۴-۲-۳-۱. الکترونیکی کردن خدمات دولتی

یکی از مهم‌ترین اهداف ایجاد دولت الکترونیک، تحقق بخشیدن به مردم‌سالاری الکترونیک است که تمام شهروندان بتوانند در سرنوشت خود دخالت داشته باشند (حلیمی، ۱۳۹۸: ۸۷). پرداخت مالیات، عوارض، تجدید گواهی‌نامه، ثبت شرکت، ثبت تولد و مرگ، تقاضا و دریافت مجوز فعالیت‌های ساختمانی، تجدید جواز کسب و این‌گونه فعالیت‌ها از موارد مختلف تعاملات با دولت الکترونیک است (هاشمی و پورامین‌زاد، ۱۳۹۰: ۳۹).

هدف عمده دولت الکترونیک، شهروندمداری است. در کشورهای الکترونیکی، تمامی امور اداری، مالی و خدماتی را با استفاده از دولت الکترونیک انجام می‌دهند (حلیمی، ۱۳۹۸: ۸۶). مهم‌ترین مزایای دولت الکترونیکی این است که دریافت خدمات الکترونیکی سبب می‌شود شهروندان بدون حضور فیزیکی و پرداخت هزینه، بتوانند از خدمات دولتی بهره‌مند شوند و از دادن رشوه و روبرو شدن با کارمندان بددهن و مشکل‌دار در امان بمانند (محمودی، ۱۳۸۴: ۸۹)؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین فواید دولت الکترونیک، مبارزه با فساد است؛ زیرا می‌توان از جمله ثمرات گسترش این خدمات، به کاهش هزینه‌ها، کاهش مراجعه به سازمان‌های دولتی، افزایش سرعت و بهبود کیفیت و شفافیت هر چه بیش‌تر خدمات دولتی اشاره کرد. اما این موارد تنها فواید خدمات دولت الکترونیک نیستند؛ بلکه یکی از مهم‌ترین ثمرات گسترش دولت الکترونیک، «مبارزه با فساد» است. البته تا رسیدن به دولت الکترونیک، راه دراز و مشکلاتی هم وجود دارد.

#### ۴-۳-۲. کنترل الکترونیکی محیط کار

یکی از راه‌کارهای دیگر برای کاهش فساد اداری، مونیتورینگ کردن و کنترل محیط اداره و محل کار است؛ یعنی با نصب دوربین‌های مداربسته در محیط کار و کنترل حرکات کارمندان و ارباب رجوع می‌توان از گراف جرم فساد اداری و مالی به‌طور مشخص رشوه، کم‌کاری مأموران و کارگزاران دولتی کاست؛ زیرا امروزه جرم‌شناسان جاذبه‌زدایی و جلوه‌زدایی از آماج، سخت‌تر کردن ارتکاب جرم از طریق کنترل محیط، ریسک دستگیری، ریسک و خطر افشاشدن و بالا بردن هزینه‌های جرم و... را از عوامل مؤثر در پیش‌گیری از جرم و بزه می‌دانند. به تعبیر فنی، به‌هم‌زدن تقارن‌ها که در اصطلاح پیش‌گیری وضعی به آن اطلاق می‌شود، از عوامل مؤثر در پیش‌گیری از جرم است (دارابی، ۱۳۹۶: ۵۷).

در این نوع پیش‌گیری، تلاش در جهت از بین بردن زمینه‌های جرم‌زا است و بدون تردید، این نوع پیش‌گیری زودبازده خواهد بود؛ برخلاف پیش‌گیری اجتماعی یا جامعه‌مدار که هدف اصلی و اساسی

در آن، اصلاح فرد و سپس جامعه است که این هدف، از طریق خانواده‌ها، مکاتب، آموزش و پرورش، فرهنگ‌سازی و شخصیت‌سازی صورت می‌گیرد که هم زمان‌بر و هم هزینه‌بر است (همان: ۵۹).

## نتیجه‌گیری

برایند این تحقیق و پژوهش، نشانگر آن است که سیاست جنایی افغانستان عمدتاً جنبهٔ تقنینی دارد و رنگ و صبغهٔ واکنشی و استفاده از مجازات و ابزارهای سرکوبگرانه در آن غالب است؛ از این رو، نتوانسته است در جهت مبارزه و مقابله با فساد اداری موفقیت‌های لازم را داشته باشد؛ بنابراین، نیازمند بازنگری و اصلاح و ارتقای تدابیر کنشی و واکنشی است؛ بدین معنا که دولت باید از سیاست جنایی ترکیبی بهره‌گیرد. در ابتدا با استفاده از تدابیر کنشی و فعال اجتماعی در صدد فرهنگ‌سازی، آموزش ارزش‌های اخلاقی و نهادینه‌سازی آن‌ها در جامعه از طریق خانواده‌ها، مکاتب، برنامه‌های تعلیم و تربیت وزارت معارف و... باشد و در مرحلهٔ بعد، از تدابیر واکنشی و کیفری بهره‌جوید.

مهم‌تر از همه، بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی و استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در مبارزه با فساد اداری بسیار مؤثر و حیاتی خواهد بود؛ زیرا این نهادها می‌توانند با نظارت غیر رسمی خود، از یک‌سو عملکرد کارگزاران نهاد عمومی دولتی را رصد کنند و از سوی دیگر آن عملکردها را در معرض داوری‌های عمومی قرار دهند و هم هزینه‌هایی به مراتب کم‌تری را بر جامعه تحمیل خواهند کرد.

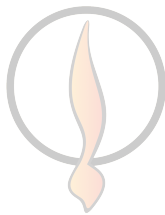
## بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

## منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. آقازاده، علیرضا (۱۳۸۴)، بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، تهران، نشر آریان.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد بن عبدالواحد شیبانی (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانهٔ گنج دانش، چاپ پانزدهم.
۵. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، سیاست جنایی، تقریرات درس سیاست جنایی، تهیه و تنظیم: محمد ظاهر نصیری (مقطع دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی)، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷.
۶. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۹)، «ریشه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»، مجلهٔ مدرس، دورهٔ چهارم، شمارهٔ ۴.
۷. حسینی، سید محمد و محمد نودری فردوسی (۱۳۹۳)، «سیاست جنایی اسلام در قبال فساد اداری و مطالعهٔ تطبیقی آن با موازین بین‌المللی»، نشریهٔ مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دورهٔ اول، شمارهٔ ۱.
۸. حلیمی، علی (۱۳۹۸)، «دولت الکترونیک گامی به سوی دولت کارآمد و کاهش فساد اداری در افغانستان»، فصلنامه

- علمی، فرهنگی و اجتماعی سخن صبا، سال دهم، شماره ۲۹.
۹. دارابی، شهرداد، تقریرات درس جرم‌شناسی نظری، تنظیم: نجیب‌الله شرافت (مقطع دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی)، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷.
  ۱۰. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۱)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم.
  ۱۱. سودمند، محسن (۱۳۷۶)، نقش نظام کیفری در پیش‌گیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی قم.
  ۱۲. علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، «داراشدن ناعادلانه و بلاجهت در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با اکل مال به باطل»، مجله کاوشی نو در فقه، سال بیست و سوم، شماره ۱.
  ۱۳. قانون مبارزه با فساد اداری جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۸ میزان ۱۳۹۷.
  ۱۴. کد جزای جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۹۶.
  ۱۵. کعبی، عباس (۱۳۷۶)، تقریرات درس سیاست جنایی اسلام، قم.
  ۱۶. گسن، ریموند (۱۳۷۶)، «روابط میان پیش‌گیری وضعی و کنترل بزه‌کاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹-۲۰.
  ۱۷. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
  ۱۸. مارتی، می. ری. دلماس (۱۳۹۵)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
  ۱۹. محمودی، مهدی (۱۳۸۴)، «نقش فرهنگ سازمانی در پیش‌گیری از فساد اداری»، نشریه تدبیر، شماره ۶۰.
  ۲۰. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۸)، پیش‌گیری وضعی از بزه‌کاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  ۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیش‌گیری)، تنظیم: مهدی سیدزاده، مجتمع آموزش عالی قم، دوره کارشناسی ارشد، نیم‌سال دوم تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۲.
  ۲۲. هاشمی، حامد و سعیده پورامین‌زاد (۱۳۹۰)، «فساد اداری و راهبردهای مبارزه با آن»، نشریه بررسی‌های بارزگانی، شماره ۵۰.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴